

بررسی وضعیت آموزش کشاورزی کشور و آینده پژوهی آن

آموزش عالی کشاورزی در ایران از سال ۱۲۷۹ در مدرسه عالی فلاحت با عنوان "مهندسی فلاحتی" شروع شد. در سال ۱۳۰۸ با تاسیس دانشکده کشاورزی در مدرسه عالی فلاحت دوره های سه ساله کارشناسی با عنوان "مهندسی کشاورزی" شروع و با تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ به دوره های چهار ساله مهندسی کشاورزی تغییر یافت. روند تغییر و تکامل تا سال ۱۳۵۷ ادامه داشت و پس از آن، تغییر شرایط کشور و رشد بی رویه جمعیت، افزایش بی رویه دانشکده ها و رشته های کشاورزی را بدون نگرش و نیاز علمی و صرفا براساس جذب متقاضی و نگاه انتفاعی به آموزش را در پی داشت. حاصل این روند را می توان ناهنجاری های تخصصی، ناکارآمدی دانش آموختگان و بی ارزش شدن جایگاه تحصیلات دانشگاهی و فاصله گرفتن تخصص دانشگاهی از تولید ذکر کرد که عبور از کشاورزی سنتی به کشاورزی مبتنی بر دانش را با مشکلات گسترده و دراز مدت مواجه ساخت.

بنظر می رسد در کشور ما آموزش های دانشگاهی کشاورزی تحت تاثیر سهم خواهی های جغرافیایی و تخصص های بعضا کاذب باشد که بنیاد های علمی مبتنی بر نگرش ملی در آن جایگاه کمتری دارد و همین باعث می شود عبور از کشاورزی سنتی بسیار کند و با حواشی گسترده روبرو باشد. هم زمانی این دوره در کشور ما با پدیدار شدن دریچه های جدید و فوق العاده کارآمد در آموزش و تولید کشاورزی در جهان و عبور بسیار گسترده و همه جانبه از کشاورزی سنتی، باعث فرسایش و ایجاد فاصله عمیق علمی کشاورزی کشور با جهان شده است.

عدم توجه و سرمایه گذاری لازم در بخش کشاورزی در مقایسه با صنعت و خدمات این فاصله علمی-تولیدی را تشدید کرده است. کاهش قد علم در کشور به واسطه مهاجرت های علمی و همچنین نگاه درمانگرانه به جای نگرش پیشگیرانه در مدیریت کلان کشور مزید بر علت شده است که کوتاهی قد علم در بخش کشاورزی کشور از میانگین کاهش آن در کل کشور بیشتر باشد. از طرفی پیشرفت بسیار گسترده در بیوتکنولوژی و هوش مصنوعی آینده پژوهی را بسیار پیچیده کرده است. در آینده اتوماسیون تغییر گسترده بازار کار را در پی دارد لذا انسانها باید ظرفیت و توان تغییر تخصص و حرفه را دارا باشند. این موضوع می طلبد که نباید آموزش هایمان بر مهارت ها متمرکز باشد. باید در دانشگاه ها افرادی پرورش داده شوند که توان انعطاف پذیری فکری را داشته باشند و بتوانند در هر سنی آموزش پذیر باشند و خود را باز تعریف کنند. اگر ما در این زمان تغییر لازم برای مواجه شدن با جهان آینده را در دانشگاه ها و آموزش خود ایجاد نکنیم از قافله تمدن جا نمیمانیم بلکه حذف می شویم. که بنظر می رسد اکنون هم دیر است. با این چشم انداز بنظر می رسد در آینده پژوهی آموزش کشاورزی در کشور لازم است گسترش بی رویه دانشکده های کشاورزی و رشته های بسیار زیاد ایجاد شده حذف شود و در دانشکده های تجمیع یافته با امکانات مناسب مزرعه ای و آزمایشگاهی، رشته هایی بسیار محدود و جامع با ظرفیت مناسب دانش جامع کشاورزی در سطح کارشناسی تدوین شود که قابلیت جهت گیری و تغییر پذیری های جامع را مطابق با توسعه و تغییرات علمی - تولیدی روز کشور را دارا باشند. در این رابطه تنوع اقلیم، منابع و محیط زیست، آب، توجه به کشاورزی مبتنی بر دیم، توجه به وضعیت مالکیت زمین های کشاورزی، تغییر روند مدیریت کلان کشور از نگرش درمانگرانه به نگرش پیشگیرانه براساس تولید غذای سالم و محیط زیست مناسب می تواند موارد تاثیرگذار در آموزش کشاورزی کشور باشد.